



## بوتو، مشرف و ابهام در آینده سیاسی پاکستان

مترجم: سهیلا زمانی  
منبع: روزنامه گاردین، اکتبر ۲۰۰۷

بار نیز مجدداً دستگیر و چندی بعد آزاد گردید و سرانجام به عنوان جوانترین نخست‌وزیر پاکستان، در سن ۳۵ سالگی و در اول دسامبر ۱۹۸۸ نخست‌وزیر شده و اهدافش را بر گرداندن قوانین مدنی به پاکستان و برکناری قاتل پدر اعلام نمود.

... بدین ترتیب، در چندین مرحله بوتو نخست‌وزیر شد و سپس با یک کودتا از کار برکنار و آهنگ تبعید کرد تا پس از برکناری در دوره دوم نخست‌وزیری، با اظهار تأسف از سه اشتباه بزرگ که در دوران نخست‌وزیری اش انجام داده است، می‌گوید: "من نباید با هندی‌ها در خصوص موضوع کشمیر رابطه برقرار می‌کردم... من در مورد طالبان در افغانستان اشتباه قضاوت کردم و ماموران امنیتی، اطلاعات غلطی به من می‌دادند... من هر چه نیروهای نظامی می‌خواستند در اختیارشان گذاشتم و امیدوار بودم با آنها مصالحه کنم، اما آنها همواره با من مخالف بودند." و این مساله ادامه داشت تا این که از سال ۱۹۹۹ به تبعید خودخوانده رفت و طی این مدت با پیگیری‌های سیاسی خود، اعلام کرد که در ۱۸ اکتبر سال جاری به پاکستان باز خواهد گشت. تا این بار شانس خود را برای رسیدن به قدرت و خواسته‌های خود با حضور در انتخابات پارلمانی امتحان کند... که بار دیگر بازگشتی خونین را در دفتر خاطرات خود رقم زد.

اکنون، ظواهر امر چنین نشان می‌دهد که ژنرال پرویز مشرف، رئیس جمهوری پاکستان، که با یک کودتای نظامی در سال ۱۹۹۹ قدرت را در این کشور به دست گرفته، بیش از دو سال است که کم‌کم کنترل

استخدام کرد و تا مدتی بعد، در مدارس مختلفی همانند "ماری" و "صومعه مسیح" به تحصیل مشغول شد. بی‌نظیر در ۱۶ سالگی به آمریکا عزیمت کرد و مدتی بعد در دانشکده "رادکلیف" دانشگاه هاروارد حاضر شد و توانست مدرک کارشناسی مطالعات سیاسی را در سال ۱۹۷۳ اخذ نماید. دانشگاه آکسفورد او را مجتوب خود ساخت و بوتو فلسفه، اقتصاد و سیاست را در آکسفورد مطالعه نمود و در سال ۱۹۷۷ به عنوان رییس "دانشجویان منتخب" دانشگاه برگزیده شد.

در اواسط سال ۱۹۷۷، وی به پاکستان بازگشت و درست در همان ایام، مخالفان پدرش که معتقد بودند ذوالفقار علی بوتو در انتخابات دست برده است، او را پس از شش سال از قدرت پایین کشیدند و نیروهای نظامی قدرت را در دست گرفتند. سپتامبر ۱۹۷۷ ذوالفقار علی بوتو به زندان انداخته شد و به اتهام قتل یکی از همقطارانش در حزب خلق پاکستان، در آوریل ۱۹۷۹ توسط نیروهای نظامی "ضیاءالحق" حلق آویز شد.

پس از آن، بوتو از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۴ چندین بار توسط نیروهای نظامی دستگیر گردید. هنگامی که برای آخرین بار آزاد شد، به او اجازه‌ی خروج از کشور با عنوان "تبعید" دادند و او آهنگ انگلستان کرد. دسامبر ۱۹۸۵ بوتو با آرام شدن فضای کشور به پاکستان بازگشت و استقبالی بسیار وسیع از وی به عمل آمد. بی‌نظیر از ژنرال ضیاءالحق خواست تا از قدرت کناره‌گیری کند و در ماه بعد به همراه مادرش - نصرت - به عنوان رییس مشترک حزب خلق پاکستان در لندن برگزیده شد. این

سرانجام پس از ماه‌ها انتظار، روز پنجشنبه ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) سال ۲۰۰۷ میلادی، مردم شهر کراچی، زادگاه "بی‌نظیر بوتو"، بازگشت وی را در فضایی میان شایعه و تهدید جشن گرفتند تا در انتها با برجای گذاشتن بیش از ۱۳۰ کشته، این فضا را به فضایی از خون و آتش مبدل سازند. بوتو که پس از ۸ سال تبعید برای شرکت در انتخابات پارلمانی و تصدی مجدد پست نخست‌وزیری به کشورش بازگشته است، با اظهار خوشحالی از این بازگشت، اظهار داشت که پاکستان اکنون نیازمند آشتی ملی است و بهتر است که اختلافات به کنار گذاشته شود و این مسیر پس از سالها، امن گردد.

بوتو از سال ۲۰۰۵ در دبی، در تبعید به سر می‌برد. وی پس از ۶ سال فرار از پاکستان و مدتی اقامت در لندن به دبی رفت تا از مسافتی نزدیکتر به پاکستان، ارتباط خود را با تحولات داخل این کشور که از دو سال پیش رو به آشفتنی رفته بود، حفظ کند.

بوتو نخستین نخست‌وزیر زن در جهان اسلام است که در دوره دوم نخست‌وزیری اش به اتهام فساد مالی از کار برکنار شد و در سال ۱۹۹۹ به تبعیدی خود خوانده رفت و اکنون در بازگشت به پاکستان با عملیات‌های انتحاری مورد استقبال قرار گرفت که این عملیات ۱۳۰ کشته و بیش از ۴۰۰ مجروح برجای گذاشت.

بی‌نظیر بوتو در ۲۱ ژوئن ۱۹۵۳ در خانواده‌ای مملکت و سیاستمدار در کراچی به دنیا آمد. پدرش ذوالفقار علی بوتو به علت مشغله در امور سیاسی، اغلب بیرون از خانه بود و برای پرورش وی یک معلم خانگی انگلیسی

اوضاع را از دست داده و دیگر آن رهبر قدرتمندی نیست که توانست با یک کودتای چند ساعته، نواز شریف، نخست وزیر وقت را سرنگون سازد.

در حال حاضر، کشور پاکستان وارد بحران تازه‌ای شده است. شرایط به طور کلی با بازگشت رهبر محبوب حزب مردم پاکستان، تغییر کرده است. ورود این بانوی سیاستمدار پس از ۸ سال به زادگاهش - کراچی - نشان داد که وی هنوز از ذهن مردم پاکستان نرفته و شاید غرب به درستی وارد عمل شده است. در واقع، درست برعکس مراسم استقبال از مشرف که در سال‌های اخیر، مردم از شهرهای مختلف به صورت کرایه‌ای به محل آورده می‌شدند، در روز استقبال از بوتو، حتی درختان نیز سیاه از جمعیت بود.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اکنون معامله و توافقات احتمالی به وجود آمده میان مشرف و بوتو، بیشتر و مستحکم‌تر خواهد بود؛ بوتو محبوبیت دارد و مشرف قدرت نظامی و ترکیب این دو دقیقاً همان چیزی است که پاکستان در حال حاضر به آن نیاز دارد. محبوبیت بوتو پس از این انفجارها حتی بیشتر هم شده است.

تاکنون هیچ شخص و گروهی مسوولیت این حملات را بر عهده نگرفته است. خود بوتو بسیاری از گروه‌ها را متهم کرده است، این در حالی است که دولت مشرف در این ماجرا کاملاً بی‌تقصیر می‌داند. آنچه روشن است، آن است که پیش از بازگشت بوتو به وطن، رهبران گروه‌های شبه نظامی وی را یکی از عوامل آمریکا و غرب می‌خواندند و حتی او را تهدید به مرگ کرده بودند. شاید محکوم ساختن طالبان و حتی القاعده بهترین راه حل باشد، اما شواهدی همانند اظهارنظرها و نقل قول‌هایی از او وجود دارد که نشان می‌دهد بوتو شخصیتی کاملاً آمریکایی به خود گرفته است!

شاید این گفته بوتو که در صورت وخامت اوضاع در مناطق مرزی قبیله‌نشین پاکستان، از نیروهای آمریکایی برای ایجاد آرامش در منطقه کمک خواهد گرفت، از بارزترین دلایل آمریکایی بودن وی قلمداد شده است. اما این اتفاقات شرایط را برای آمریکادار منطقه دشوارتر کرده است. یکی از مقامات ارشد دولت آمریکا چندی پیش اعلام کرد، بحران در کشوری که پایگاه سابق یا حتی فعلی القاعده و طالبان است و بمب اتمی هم دارد، بدترین سناریو است.

مقامات نزدیک به دولت بوش همچنین امیدوارند که ژنرال مشرف نفوذ و قدرت خود را همچنان حفظ کند تا بدین ترتیب منافع آمریکا نیز در پاکستان حفظ شود. اما تحلیلگران واقع‌بین‌تری

نیز وجود دارند که معتقدند مدت‌ها است موقعیت سیاسی - نظامی مشرف و متعاقب آن، جایگاه آمریکا در این کشور رو به تزلزل است. این در حالی است که بسیاری از دولتمردان آمریکایی بر این اعتقادند که چنانچه آمریکا نخواهد برای ادامه این روند در پاکستان فکری کرده و منطقه را از بحران نجات دهد، این روند به سمتی خواهد رفت که ممکن است آخرین فرصت برای ریشه کردن القاعده در منطقه از بین برود.

اکنون بسیاری از کارشناسان تلاش می‌کنند تا دولت آمریکا را به فاصله گرفتن هرچه بیشتر از مشرف ترغیب کنند؛ چرا که به گفته‌ی این کارشناسان، ارتش پاکستان بدون مشرف هم می‌تواند راه اعتدال را پیش بگیرد و شاید در نبود این ژنرال کهنه کار، شرایط پاکستان از این هم بهتر شود.

در واقع، به دلیل انعطاف‌پذیری بوتو، آمریکا مایل به قدرت گرفتن او است، هر چند ناظران سیاسی منطقه بر این اعتقادند که منافع آمریکا در حال حاضر تنها زمانی تامین خواهد شد که انتخابات پاکستان کاملاً آزاد، شفاف و عادلانه باشد.

وضعیت موجود تا حدودی شبیه اوضاع سال ۱۹۸۸ است. یعنی سالی که روس‌ها شکست سختی را از مجاهدین افغان متحمل شدند. در آن هنگام، آمریکا تاکید داشت که پاکستان نباید برای انتقال قدرت به مجاهدین تلاش کند و باید در عین حال، پیمان ژنو را امضا کند. اما ژنرال ضیاءالحق با خواسته آنان مخالفت کرد. در آن شرایط ژنرال ضیاءالحق تاریخ مصرف خود را برای آمریکا از دست داده بود و به همین دلیل باید از صحنه کنار گذاشته می‌شد.

مشرف نیز آنچه را که آمریکا از وی می‌خواست به انجام رساند. با مقید ساختن مشرف به تعهداتی سخت، لایحه کمک‌های مالی به پاکستان را تصویب کرد تا به همگان نوع دوستی خویش را ثابت کرده و بگوید کاری را که آمریکا قادر به انجام آن در منطقه نیست، باید توسط پاکستان انجام شود.



اکنون اگر بخواهیم بر اساس برداشت‌ها و نمونه‌های تاریخی قضاوت کنیم، باید چنین گفت که به محض خروج نیروهای اشغالی، صلح و آرامش به پاکستان و افغانستان بازمی‌گردد زیرا به جز این، گزینه دیگری برای تضمین صلح و ثبات در منطقه وجود ندارد. آمریکا باید درک کند که اکنون شرایط محیطی و منطقه‌ای به نسبت سال ۱۹۸۸ بسیار تغییر کرده است. در تابستان، طبقه متوسط پاکستان انقلابی آرام و بی‌صدا را آغاز کرد و اکنون به آرزوهای خود رسیده است. پس عاقلانه آن است که آمریکا وارد گفت‌وگو با نیروهای دموکراتیک شود. آمریکا به جای تقویت حکومت نظامی باید روابط خود را با توده‌ها بهتر کند تا بتواند روابطی صحیح میان دو کشور را معنی کند.

این در حالی است که مقامات واشنگتن هر گونه دخالت در انتخابات عمومی پاکستان را رد کرده و اظهار داشته‌اند که حتی در توافقی‌های به دست آمده میان مشرف و بوتو نیز بی‌طرفی خود را حفظ خواهند کرد. در همین حال، حزب مردم پاکستان نیز بر اساس گفته‌های بوتو، آمادگی خود برای شرکت در انتخابات و تشکیل دولت موقت را اعلام کرده است. بوتو اعلام کرد که شرط وی برای شرکت در این انتخابات برگزاری انتخاباتی سالم و عادلانه است.

... اکنون توفانی که در افق سیاسی پاکستان به وجود آمده، واکنش‌های متفاوتی را در پی داشته است. مردم با هر گونه سازش با نظام و آمریکا مخالفند. اما جنبش دموکراتیک همچنان از حمایت توده‌های مردم برخوردار است و نقش اساسی را در سیاست آینده پاکستان بازی خواهد کرد. این موج در حال اوج گرفتن است. شکاف‌های موجود در حکومت نظامیان روزه‌به‌روز بیشتر شده و راه برای انتقال مسالمت‌آمیز حکومت به سوی یک حاکمیت قانونمند و مردمی هموارتر شده است. سلطه نظامی به هر حال یک نوع قدرت تصنعی است که نمی‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد، در حالی که قدرت واقعی از اعتماد مردم به نمایندگانشان ناشی می‌شود و این همان قدرتی است که می‌تواند برای همیشه تداوم داشته باشد.

... اکنون باید منتظر بود و دید که این آتش تا به کجا شعله‌ور خواهد شد و دامان چه کسانی را خواهد گرفت. بازگشت یک تبعیدی پس از ۸ سال به وطن و استقبال پرشور و خونین مردم از وی به همراه حمایت‌های زبانی آمریکا و غرب، نشان از ورود حیات سیاسی پاکستان به دوره جدیدی دارد. دوره‌ای که شاید مظهر به قدرت رسیدن مردم و به بار نشستن دموکراسی باشد.